

# نشریه دانشکده ادبیات تبریز

تابستان سال

۱۳۴۲

بقلم آقای عبدالامیر سلیم

## «دستگاه صرف فعل در زبان پارسی میانه جنوبی»

زبانهای ایرانی میانه را بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده اند و از آنجائیکه قسمت عمده مشرق آن روز ایران فعلا خارج از حدود ایران کنونی است ما نیز بحث درباره آنها را بجای دیگری موکول می کنیم .

از زبانهای مغرب ایران آن روز یادگارهایی برای ما باقی مانده است و این آثار بزبان شمالی و شمال شرقی (پارتی) همچنین بزبان جنوبی و جنوب غربی (پارسی میانه) میباشند و ما برای رعایت اختصار از زبان اول به «زبان میانه شمالی» و از زبان دوم به «زبان میانه جنوبی» اقتضار می کنیم .

منبع مهم ما برای مطالعه این دوزبان آثار مانوی تورفان واقع در ترکستان چین است. البته برای زبان میانه شمالی منبع مهم دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از آثار وسنگ نبشته‌های ساسانیان و آثار متفرقه دیگری در داخل و خارج ایران.

باضافه متن «درخت اسوریگ» که بخط پهلوی نوشته شده است و از باقیمانده‌های زبان میانۀ شمالی است .

علت اینکه چرا آثار «پهلوی» را بشمار نیاوردیم این است که تاریخ کتابت غالب آثار مکتوب بخط پهلوی قرن نهم میلادی و برخی هم قرنهای پس از آن است گرچه باید اذعان کرد که مطالب مندرجه در کتب پهلوی غالباً از آثار دوره ساسانی است ولی توجه باین نکته مهم است که مؤلفان کتب پهلوی وقتی دست باین کار زدند که این زبان زبانی مرده بحساب میرفت و شاید فقط برای مؤبدان و دانشمندان دینی قابل فهم بود و بهمین دلیل برخی از مؤلفان که دیگر القبای پهلوی را که کهنه شده بود وافی برای بیان مطالب خود نمی دانستند شروع بنوشتن بخط پازند کردند و مطالعه آثار پازند این احتمال را تقویت می کند که غالب مؤلفین آثار پهلوی پازند نه خوب پهلوی می دانستند و نه از پارسی درست آن روزی بهره کافی داشتند ، برای مراعات نکات فوق ترم «پارسی میانۀ جنوبی» بجای پهلوی انتخاب شد .

دستگاههای پیچیده و سیستمهای بغرنج صرف افعال که در زبانهای قدیم ایرانی از قبیل اوستا<sup>۱</sup> و فرس قدیم<sup>۲</sup> بود جای خود را مندرجاً در زبانهای میانهدستگاههایی ساده تر، درست خیلی نزدیک بآنچه را که در فارسی امروزی رایج است، میداد. برخی از افعال از بن مضارع و با افزودن خواتم شخصی یا بعبارت دیگر ضمیرهای متصل فاعلی، بآخر آن ساخته می شد و برای ساختن سایر افعال یا تنها از اسم مفعول، که بعبارت علمی تر همان وجه وصفی مجهول است و امروزه در دستور زبان فارسی به سوم شخص مفرد ماضی نامیده می شود، ساخته میشد و یا ترکیبی از وجه وصفی مجهول و افعال معین بود .

۱ - W. JACKSON , AN AVESTA GRAMMAR. STUITS-GART, 1892. PP. 127-200 . رجوع شود به -

۲ - R. G. KENT : OLD PERSIAN, 2nd Newhaven, Edition, 1653. PP. 70-79 . رجوع شود به -

رایج‌ترین افعال معین در پارسی میانه جنوبی عبارت بودند از: بود، است (و صیغه‌های دیگر این دو فعل)، ایستید (ēstēd) و استاد (ēstād). افعالیکه از بن مضارع با افزودن خواتم شخصی زیرین ساخته می‌شدند عبارت بودند از: فعل حال ساده اخباری، فعل امر، فعل آینده و فعل شرطی.

برای راهنمایی بیشتر تذکر داده میشود که ابتدا خواتم شخصی را بصورت Transliteration انگاه با آوانویسی (Transcription) سپس در حالت اتصال بفعل ذکر کرده در خاتمه ترجمه هر یک را بفارسی نوشته‌ایم. هر گاه يك يا چند حرف را در پارانتز بگذاریم دلیل بر این خواهد بود که این کلمه بدو صورت ضبط شده است یکی بصورت موجود بدون توجه کردن به پارانتز و دیگری با در نظر گرفتن حروفی که در میان پارانتز است مثلاً خاتمه شخص دوم مفرد در زمان حال ساده اخباری چنین نوشته شده است y(h)- یعنی خاتمه مزبور را می‌توان بدو صورت ēh- و ē- تلفظ کرد. برای امکان مقایسه بیشتر در جدول دیگری<sup>۱</sup> معادل خواتم مزبور را در زبان پارتی که همان پارسی میانه شمالی است بصورت Tran sli Teration همچنین بصورت آوانویسی و معادل پهلوی را تنها بصورت اول و بدون آوانویسی نقل کرده‌ایم. البته اگر اندازه صفحات این مجله گرامی اجازه میداد تا کلیه مقایسه‌های فوق را در یکجا و یک ردیف انجام میدادیم مقایسه خیلی اسانتر بنظر می‌رسید و از این جهت از خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبیم. در مواردیکه نتوانستیم فرم فعلی را در متون مربوطه پیدا کنیم با علامت ستاره فرم فرضی آن در صورت احتمال نگاشته شده است.

۱- در جدولهای بعد از انجائیکه پهلوی نویسان غالباً برای نوشتن افعال معین هم از کلمات آرامی الاصل استفاده میکردند و افعال را بصورت هزوارش و خواتم شخص را به پهلوی مینگاشتند ما نیز ان قسمتهائی را که هزوارش است با حروف بزرگ (capItal LeITer) و بقیه را بصورت ترانسکرپسیون نوشته‌ایم.

## خوانم شخصی یا ضمیرهای فاعلی متصل به بن مضارع در پارسی هیانده جنربی

### ۱- فعل زمان حال ساده اخباری :

شخص اول مفرد  $-ym = -\bar{e}m$  مثال  $bar\bar{e}m$  : میبرم

شخص اول جمع  $-ym, -Wm, -\bar{e}m, -\bar{o}m$  مثال  $bar\bar{e}m$  و  $bar\bar{o}m$  : میبریم

شخص دوم مفرد  $-y(h) = -\bar{e}(h)$  مثال  $bar\bar{e}h$  و  $bar\bar{e}$  : میبری

شخص دوم جمع  $y d - (y) = -\bar{e}d$  مثال  $bar\bar{e}d$  : میبرید

شخص سوم مفرد مانند شخص دوم جمع است مثال  $bar\bar{e}d$  : میبرد

شخص سوم جمع  $nd - (y)y = -(\bar{e})nd$  مثال  $bar\bar{e}nd$  : میبرند

### ۲- فعل امر :

شخص دوم مفرد هیچ گونه خاتمه‌ای ندارد و بن مضارع بتنهائی مساوی

این صیغه است مثال  $bar$  : ببر

شخص دوم جمع مثل شخص دوم جمع و شخص سوم مفرد است یعنی همان

$bar\bar{e}d$  است : ببرید

### ۳- فعل آینده :

شخص اول مفرد  $n d (d) - = -\bar{a}n$  مثال  $bar\bar{a}n$  : خواهم برد

شخص اول جمع  $m d (d) - = -\bar{a}m$  مثال  $bar\bar{a}m$  : خواهیم برد

شخص دوم مفرد  $y d - = -\bar{a}y$  مثال  $bar\bar{a}y$  : خواهی برد

شخص دوم جمع  $d d (d) - = -\bar{a}d$  مثال  $bar\bar{a}d$  : خواهید برد

شخص سوم مفرد مانند شخص دوم جمع است مثال  $bar\bar{a}d$  : خواهد برد

شخص سوم جمع  $nd d - = -\bar{a}nd$  مثال  $bar\bar{a}nd$  : خواهند برد

### ۴- فعل شرطی : تنها يك صیغه از آن باقی مانده است

شخص سوم مفرد (h) y (y) - = ēh - . مثال barēh و barē (اگر)

برده بود، (اگر) میبرد، (اگر) برود

در جدول زیر معادل جدول فوق در زبان پارسی میانه شمالی (پارتی) و زبان

پهلوی بیان می شود .

خواتم شخصی یا ضمیرهای فاعلی متصل بدین مضارع در پارسی میانه شمالی

پهلوی و (پارتی)

۱- فعل زمان حال ساده اخباری: پهلوی پارتی

شخص اول مفرد (y)m - -dm = -ām مثال barām : میبرم

شخص اول جمع -ym - -dm = -ām مثال barām : میبریم

شخص دوم مفرد -yh, eTc. - (h) y (y) - = ēh - , ē - مثال

barēh و barē : میبری

شخص دوم جمع -yT | - (y)yd = -ēd مثال barēd : میبرید

مثل شخص سوم مفرد -ynd - (y)y nd = -ēnd مثال barēnd : میبرند

شخص سوم جمع -ynd - (y)y nd = -ēnd مثال barēnd : میبرند

۲- فعل امر :

شخص دوم مفرد هیچ گونه خاتمه ای ندارد و بن مضارع مساوی این صیغه

است مثال bar : بمر

شخص دوم جمع -yT | - (y)y d = -ēd مثال barēd : ببرید

۳- فعل آینده :

شخص اول مفرد n د (د) - = -ān - مثال barān : خواهم برد

شخص اول جمع m د (د) - = -ām - مثال darāh : خواهیم برد

شخص دوم مفرد h د (د) - = -āh - مثال barāh : خواهی برد

شخص دوم جمع	? d d d - = ād - مثال barād : خواهید برد
شخص سوم مفرد	T d - (h) d - = āh - ā d مثال barāh و barā : خواهد برد
شخص سوم جمع	nd d - = ānd - مثال barānd : خواهند برد
شخص سوم مفرد	-ēndēh - ēndē = - y n d (y) y (h) - y d, eTc, مثال barē n bēh و barēndē : (اگر) برده بود ، (اگر) میبرد و (اگر) ببرد

#### ۴- فعل شرطی :

برای ساختن زمانهای دیگر فعل از وجه وصفی مجهول بتنهائی و یا در حالت ترکیب بایکی از افعال معین استفاده می‌شود. افعال معین عبارت بودند از «است» از -ah و «بود» از -bu در مفهوم فعل معین گردیدن و «استید» (ēstēd) و «استاد» (ēstād) که هر دو از -stā در مفهوم وجود داشتن است. فرمهاییکه از -stā بعنوان فعل معین بکار رفته است محدود بهمین دو فرم سابق الذکر است ولی صرف دو فعل معین دیگر یعنی «است» و «بود» بعلمت مختصر اختلافی که باصرف افعال اصلی دارد در زیر داده می‌شود. پس از نوشتن فرم پارسی میانه جنوبی آوانگاری آن و سپس فرمهای پارسی میانه شمالی (پارتی) و پهلوی بدون آوانگاری داده میشود .

#### صرف فعل «است» از ریشه ah

۱- زمان حال ساده اخباری:	فارسی میانه جنوبی	فارسی میانه شمالی (پارتی)	پهلوی
شخص اول مفرد	hēm = hym	(d)hy(y)m	.HYHm
شخص اول جمع	hōm·hēm = hwm·hym	hym>d	.HWHym
شخص دوم مفرد	hē = hy	dy (y)	.HWHyh·eTc.
شخص دوم جمع	hēd = h(y) yd	?	.HWHyT

پهلوی	فارسی میانه شمالی (پارتی)	فارسی میانه جنوبی	
دYT	دST	ast = sT	شخص سوم مفرد
.HWHd	sh(y)ynd	hēnd = hynd	شخص سوم جمع
<b>۲- فعل آینده :</b>			
.HWH>T	?	hād = h>d	شخص دوم جمع
?	?	hād = h>d	شخص سوم مفرد
.HWH>nd	?	hānd = h>nd	شخص سوم جمع
<b>۳- فعل شرطی :</b>			
.HWHyd,eTc	shynd(y)yh	hē = hy	شخص سوم مفرد

## صرف فعل «بود» از ریشه bū-

## ۱- زمان حال ساده اخباری :

YHWWNm	*bw>m	bawēm = *bwym	شخص اول مفرد
YHWWNyM	*bw>m	dawēm = bwym	شخص اول جمع
YHWWNyh, eTc.	*bWyh	bawē = bwyy	شخص دوم مفرد
YHWWNyT, byT	bwyd	bawēd = *bwyd	شخص دوم جمع
YHWWNyT. byT	bwyd	bawēd = bw(y)ynd	شخص سوم مفرد
YHWWNd, bynd	bwynd	bawēnd = bwynd	شخص سوم جمع

## ۲- فعل امر :

YHWWNš, b>š	?	bāš = b>š	شخص دوم مفرد
*YHWWNyT<byT	bwyd	bawēd = bw(y)ynd	شخص دوم جمع

## ۳- فعل آینده :

?	bw(د)>n	bawān = bw>n	شخص اول مفرد
?	bw(د)>m	bawām = *bw>m	شخص اول جمع
?	bw>h	bawāy = bw>y	شخص دوم مفرد

?	*bw d d d	bawād = bw d d	شخص دوم جمع
YHWWN d T, b d T	bw d (h)	bw d (d) d bā d d bawād =	شخص سوم مفرد
YHWWN d nd, b d nd	*bw d nd	bw d nd bā nd d bawā nd =	شخص سوم جمع

**۴- فعل شرطی :**

\*YHWWNy d      bwyndnh bēh = byh

اینک که صرف افعال از بن مضارع همچنین صرف افعال معین بیان شد بذکر سایر افعال می پردازیم :

**فعل مجهول حال :** برای ساختن فعل متعدی بصورت مجهول در زمان حال از وجه وصفی مجهول با اضافه زمان حال از ریشه -bu استفاده می شد . البته این فرم برای آینده مجهول نیز بکار میرفت :

zd bwym	زده می شوم (= کشته می شوم)
hrwpT bwyd	رفته می شود
shyxT bwynd	بر کشیده می شوند

**فعل ماضی مطلق لازم :** وجه وصفی مجهول بازمان حال از ریشه -ah تشکیل فعل ماضی مطلق لازم را میداد و در مورد سوم شخص مفرد نیازی بفعل معین نیز نداشت مثال :

smd hym	آمدم =
smd hy	آمدی =
smd	آمد =

**فعل ماضی مطلق متعدی :** تذکر این نکته لازم است که در زبانهای ایرانی میانه فعل متعدی ماضی بصورت معلوم بکار نرفته است و کلاً بصورت مجهول می باشد و فعل «گفت» در این زبانها معنی امروزی را نمی داد بلکه در معنی «گفته شد» بکار



میرفت و اگر در نظر داشته باشیم که فعل متعدی معلوم فاعل و مفعول دارد باید بدانیم که فاعل در زبان پارسی میانه بصورت عامل (Agent) و مفعول بصورت نایب فاعل بکار می‌رفته است مثلاً بجای «ما ترا دیدیم» این جمله بکار میرفت  $\text{swm} \text{ } \text{Tw dydhy}$  = و (بوسیله) ما تو دیده شدی .

بازگر این مقدمه اشکار است که فعل ماضی مطلق متعدی مانند فعل ماضی مطلق لازم ترکیبی ازوجه وصفی مجهول بازمان حال از ریشه  $\text{ah-}$  است با این تفاوت که گاهی از ذکر فعل معین نیز صرف نظر و بهمان وجه وصفی مجهول اکتفا می‌شد. مثال :

و [بوسیله] شما من پوشیده شوم  $\text{swT} \text{ } \text{py mwXT hym}$

یعنی شما مرا پوشیدید

و [بوسیله] شاه پیام فرستاده شد  $\text{swd} \text{ } \text{š} \text{ } \text{h pyg} \text{ } \text{m pryst} \text{ } \text{sa}$

یعنی شاه پیام فرستاد

و [بوسیله] او گفته شد  $\text{sw} \text{ } \text{š gwpt}$

یعنی او گفت

و [بوسیله] ما تو نجات نیافتی  $\text{swm} \text{ } \text{ny bwXT hy}$

یعنی ما تو را نجات ندادیم

**فعل ماضی نقلی :** برای ساختن این فعل نیز از وجه وصفی مجهول

باضافه سوم شخص مفرد زمان حال از ریشه  $\text{stā-}$  یعنی  $\text{ēstēd}$  استفاده می‌شد .

مثال :

گفته شده است  $\text{gwpt} \text{ } \text{ysTye}$  =

**فعل ماضی بعید :** برای ساختن این صیغه نیز ازوجه وصفی مجهول باضافه

وجه وصفی مجهول از ریشه‌های  $\text{stā-}$  و  $\text{bu}$  یعنی  $\text{ēstād}$  و  $\text{būd}$  بکار میرفت .

مثال :

$rpT \text{ } \langle yst \rangle d = rpT \text{ bwd} =$  رفته بود

$gwpT \text{ } \langle yst \rangle d = gwpT \text{ bwd} =$  گفته بود

در خاتمه متذکر میشود که فعل ماضی مطلق در پاره‌ای از موارد بجای فعل ماضی

بعید نیز استعمال شده است .

**تذکره :** ارزش فونتیکی پاره‌ای از علامات بقرار زیر است :

$\text{ح} = .H$

$\text{ش} = \text{Š}$

$\text{ع} = \text{ʿ}$

$\bar{e} = \text{ } \langle y \text{ } \rangle$

$\bar{a} \text{ } \bar{a} = \text{ } \langle d \text{ } \rangle$

$\bar{a} = \text{ } \langle dd \text{ } \rangle$